

# اعتکاف؛ راهی برای انس با خدا

## پیشینه اعتکاف

## ارزش معنوی اعتکاف

## اعتکاف در قرآن

## اعتکاف در احادیث

## زمان اعتکاف

## مکان اعتکاف

## مقابله با تهاجم فرهنگ بیگانه

انسان موجودی است سالک و پویا به سوی معبود حقیقی خویش و از هر راهی که برود و هر مسیری را که در زندگی انتخاب کند، سرانجام به لقای معبود خویش می‌رسد :

«یا ایها الانسان انك كادح الی ربك كدحا فملاقيه (انشقاق/ 6)؛ ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد.»

با توجه به این آیه اگر انسان راه ایمان، خود سازی و تهذیب نفس را بپوید جمال و مهر خداوند را ملاقات می‌کند، اما اگر راه کفر و آلودگی را در پیش گیرد، جلال و قهر او را می‌بیند. بنابراین اگر مقصد و غایت سلوکش لقای محبت و مهر خدا باشد، باید راه تهذیب نفس و عبادت حقیقی را در پیش گیرد و از هوای نفس بگریزد و در طریقت انس با معبود گاهی به گوشه‌ای خلوت پناه ببرد و دور از همه عنوان‌ها و تعلقات مادی، لختی بر حال زار خویش بگریزد و با سوز دل و اشک چشم، کدورت و زنگار را از چهره جان خود بزدايد و در زاد و توشه آخرت اندیشه کند .

ادیان الهی با توجه به همین نیاز روحی، با آن که انسان را به حضور در جامعه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی فرا می‌خوانند، فرصت‌هایی را نیز برای خلوت نمودن او با خداوند فراهم نموده‌اند، یکی از این فرصت‌ها «اعتکاف» است.

اعتکاف در لغت به معنی اقامت کردن و ماندن در جایی و ملازم بودن با چیزی است، ولی در شرع اسلام، اقامت در مکانی مقدس به منظور تقرب جستن به خداوند متعال است .

اعتکاف فرصت بسیار مناسبی است تا انسانی که در پیچ و خم‌های زندگی مادی غرق شده، خود را بازیابد و به قصد بهره بردن از ارزش‌های معنوی از علایق مادی دست بکشد و خود را در اختیار پروردگار بگذارد و تقاضا کند که او را در راه راست ثابت نگهدارد تا بتواند به دریای بیکران انس و مهر خداوند که یکسره مغفرت و رحمت است، متصل شود .

در اعتکاف می‌توان خانه دل را از اغیار تهی کرد و نور محبت خدا را در آن جلوه گر ساخت؛ می‌توان خود را وقف عبادت کرد و لذت میهمان شدن بر سر سفره احسان و لطف الهی چشید؛ می‌توان زمام دل و

جان را به دست خدا سپرد و همه اعضا و جوارح را در حصار اراده حق به بند کشید؛ (1) می‌توان به خویشتن پرداخت و معایب و کاستی‌های خود را شناخت و در جست و جوی معالجه بود؛ می‌توان نامه عمل را مرور کرد و به فکر تدارك و جبران فرصت‌های از دست رفته بود؛ می‌توان به مرگ اندیشید و خود را برای حضور در پیشگاه خدای «ارحم الراحمین» آماده کرد.

آری! "اعتكاف" فصلی است برای گریستن، برای ریزش باران رحمت، برای شستن آلودگی‌های گناه، برای تطهیر صحیفه اعمال، برای نورانی ساختن دل و صفا بخشیدن به روح.

### پیشینه اعتكاف

اعتكاف مخصوص دین اسلام نیست بلکه در ادیان الهی دیگر نیز وجود داشته و در اسلام استمرار یافته است، اگر چه ممکن است در شرع مقدس اسلام پاره‌ای از خصوصیات و احکام و شرایط آن تغییر یافته باشد. درباره حدود و شرایط این عبادت در دیگر ادیان، اطلاعات قابل توجهی در اختیار ما نیست. مرحوم علامه مجلسی در «بحار الانوار» به نقل از طبرسی آورده است که: «حضرت سلیمان (ع) در مسجد بیت المقدس به مدت يك سال و دو سال، يك ماه و دو ماه و کمتر و بیشتر اعتكاف می‌کرد و آب و غذا برای آن حضرت فراهم می‌شد و او در همان جا به عبادت می‌پرداخت.» (2)

برخی از آیات قرآن نیز دال بر این است که اعتكاف در ادیان الهی گذشته وجود داشته است. خداوند متعال می‌فرماید:

...«و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیتی للطائفین والعاکفین والرکع السجود» (بقره/ 125)؛ به حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) سفارش نمودیم تا خانه‌ام را برای طواف کنندگان، معتکفان و نمازگزاران تطهیر کنند.»

از این آیه استفاده می‌شود که در زمان حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) عبادتی به نام اعتكاف وجود داشته و پیروان دین حنیف گرداگرد کعبه معتکف می‌شده‌اند.

حضرت مریم (س) آن گاه که به افتخار ملاقات با فرشته الهی نایل آمد، از مردم فاصله گرفت و در خلوت به سر برد تا در مکانی خالی و فارغ از هر گونه دغدغه به راز و نیاز با خدای خود بپردازد و چیزی او را از یاد محبوب غافل نکند.

به همین جهت طرف شرق بیت المقدس را که شاید محلی آرام تر و یا از نظر تابش آفتاب پاک تر و مناسب تر بود برگزید. (3)

مرحوم علامه طباطبائی (ره) در المیزان می‌نویسد: هدف حضرت مریم (س) از دوری نمودن از مردم، بریدن از آنان و روی آوردن به سنت اعتكاف بوده است. (4)

برخی از روایات اهل سنت هم نشان می‌دهد که در دوران جاهلیت هم عملی عبادی به عنوان اعتكاف در میان مردم رایج بوده است. (5)

علامه حلی در کتاب «تذکره الفقهاء» به مشروعیت اعتكاف در ادیان پیشین تصریح نموده است. (6)

از زمانی که پیامبر اسلام (ص) اعتكاف را به مسلمانان آموزش داد، این سنت اسلامی در میان مسلمانان رواج پیدا کرد.

در حال حاضر مراسم اعتکاف در دهه پایانی ماه مبارک رمضان در بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله عربستان (به ویژه شهر مکه) با شکوه خاصی برگزار می‌شود. همه ساله خیل عظیم مسلمانان، که بخش قابل توجهی از آنان را جوانان تشکیل می‌دهند، از سراسر جهان به سوی مسجدالحرام می‌شتابند و در کنار خانه خدا معتکف می‌شوند و حتی بسیاری از زائران خانه خدا به منظور دستیابی به فضیلت اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان، این ایام پر برکت را برای انجام عمره مفرده برمی‌گزینند.

شبهه این مراسم در مسجدالنبی و در کنار مرقد مطهر پیامبر(ص) برگزار می‌شود. مسجد کوفه در عراق نیز سال‌های متمادی، محل برپایی مراسم اعتکاف در دهه آخر ماه مبارک رمضان بوده است. انبوه شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت (ع) در این مسجد مقدس معتکف می‌شده‌اند و بسیاری از عالمان بزرگ شیعه نیز همراه با مردم در این مراسم شرکت می‌کرده‌اند.

اعتکاف در کشور ایران تاریخچه‌ای پرفراز و نشیب دارد در هر عصری که عالمان برجسته دینی به اعتکاف اهتمام ورزیده‌اند، مردم مسلمان نیز از آنان پیروی کرده و به اعتکاف بها داده‌اند.

در عصر صفوی، در سایه تلاش‌های دو عالم بزرگ آن زمان، مرحوم شیخ بهایی (1030-952 ه.ق) و شیخ لطف الله میسی عاملی اصفهانی (متوفای 1032 یا 1034 ه.ق)، اعتکاف در شهرهای ایران، به ویژه قزوین و اصفهان، رونق خاصی یافته است.

خوشبختانه اکنون در بسیاری از شهرهای کشورمان مراسم اعتکاف در روزهای 13، 14 و 15 ماه رجب (ایام البیض) برگزار می‌شود. این سنت حسنه ابتدا در شهر مقدس قم، توسط عالم ربانی میرزا مهدی بروجردی صورت گرفت و رفته رفته در شهرهای دیگر رواج یافت.

### ارزش معنوی اعتکاف

انقطاع از مادیات و امور دنیوی و ملازمت مسجد و دوام ذکر و عبادت خدا، به تنهایی و بدون اعتکاف نیز دارای ارزشی والا و اهمیتی فراوان است که در این زمینه آیات، روایات و احادیث زیادی را با چنین مضمونی می‌توان یافت، اما اهمیت اعتکاف به طور مشخص در قرآن و احادیث مورد تاکید قرار گرفته است.

در بنیاد اولین خانه توحید (کعبه) به دست دو پیامبر الهی، حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهماالسلام سخن از عهد و پیمانی به میان می‌آید که از جانب خداوند، جهت تطهیر «بیت الله» برای طواف کنندگان، معتکفین و نمازگزاران از آنان گرفته شده است.

مطالعه در تعالیم ادیان الهی نشان می‌دهد که همواره شیوه‌هایی از درون گرای و دوری از جمع در ادیان آسمانی وجود داشته است.

### اعتکاف در قرآن

از کلام وحی استفاده می‌شود که در میان بنی اسرائیل نوعی روزه همراه با سکوت (صمت) رایج بوده است. (7) حضرت موسی(ع) با آن که مسئولیت سنگین رهبری و هدایت امت را بر دوش داشت، برای مدت زمانی آنان را رها کرد و برای خلوت کردن با محبوب خویش به خلوتگاه کوه طور شتافت. او در پاسخ به پرسش پروردگار فرمود:

... "و عجلت الیک رب لترضی (طه/ 84)؛ پروردگارا به سوی تو آمدم تا از من رضی شوی."

قرآن مجید در جایی دیگر از «رهبانیت» و گوشه گیری پیروان حضرت عیسی (ع) سخن به میان آورده، و می‌فرماید:

«... و رهبانیه ابتدعوها ما کتبنها علیهم الا ابتغاء رضوان الله فما رعوها حق رعایتها... (حدید / 27)؛ و رهبانیتی را که خود ابداع نمودند از این رو برایشان مقرر نمودیم تا خشنودی خداوند را کسب کنند. پس حق آن را چنان که باید مراعات نکردند.»

مفسر بزرگ قرآن، علامه طباطبائی (ره) فرموده است: «لحن آیه شریفه نشان می‌دهد که خداوند، ابتدائاً رهبانیت را بر پیروان حضرت عیسی (ع) مقرر ننموده، ولی آن را مورد تایید قرار داده است.» (8 هر چند آنان به دلیل این که در رهبانیت زیاده روی نمودند و حد و مرز آن را مراعات نکردند، مورد نکوهش خداوند قرار گرفتند.

اسلام با پیش بینی عبادتی به نام «اعتکاف» که در واقع نوعی خلوت و درون گرایی است، برای ساختن انسان‌ها و جلوگیری از آفت خدا فراموشی و خود فراموشی، چاره اندیشی نموده است. این‌ها همه نشان می‌دهد با آن که روح تعالیم ادیان، دعوت به جمع و اجتماع است، انسان به برنامه هایی که او را با درون خود پیوند دهد نیز محتاج است.

راز این امر روشن است؛ معمولاً حضور پیوسته و دائمی در عرصه اجتماع و کار و تلاش عملی، رفته رفته روحیه عمل گرایی را در انسان تقویت می‌کند.

پیدایش این روحیه چه بسا انسان را از درون تهی می‌کند تا آن جا که به چیزی جز عمل بیشتر نیندیشد. شخص عمل گرا و عمل زده حتی گاه فرصت نمی‌یابد نتایج کارها و تلاش‌های خود را هم به درستی ارزیابی کند. لذا اعتکاف زمینه مناسبی است تا انسان به کاوش درباره انگیزه‌ها و روحیات خویش بپردازد و برای رفع نقصان و تکامل آن بکوشد. بنابراین اعتکاف با ویژگی هایی که اسلام برای آن در نظر گرفته، پاسخی است به این نیاز روحی، و فرصتی است مغتنم برای رو آوردن به خود و خدا.

### اعتکاف در احادیث

میزان توجه پیامبر(ص) به برپایی اعتکاف، بسیار در خور دقت و تأمل است. خداوند متعال، پیامبر خویش را به داشتن خلق و خویی عظیم و بزرگ ستوده است.

«و انک لعلی خلق عظیم (قلم / 4)؛ و در حقیقت تو به اخلاق نیکو و عظیم آراسته هستی.»

با این حال، آن حضرت با وجود مسئولیت بزرگ اجتماعی که بر دوش داشت، خود را از اعتکاف بی نیاز نمی‌دانست.

چنان که در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: "رسول خدا در دهه آخر ماه مبارک رمضان در مسجد معتکف می‌شدند و برای آن حضرت خیمه‌ای که از مو بافته شده بود، در مسجد برپا می‌شد. پیامبر(ص) برای اعتکاف آماده می‌شدند و بستر خویش را جمع می‌کردند." (9)

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) آمده است: «:کانت بدر فی شهر رمضان و لم یعتکف رسول الله (ص) فلما ان کان من قابل اعتکف عشرين. عشرة لعامه و عشرة لقضاء لما فاته (10)؛ جنگ بدر در ماه رمضان رخ داد، از این رو رسول خدا موفق به اعتکاف نشدند. آن حضرت در ماه رمضان سال آینده يك دهه را به عنوان همان سال اعتکاف نمودند و يك دهه را نیز به عنوان قضای سال قبل.»

رسول خدا افزون بر اهتمام عملی نسبت به اعتکاف، با بیان فضایل و پاداش بزرگ آن، مؤمنان را به انجام این عمل تشویق می‌نمودند. در حدیثی از آن حضرت آمده است: «اعتکاف عشر فی شهر رمضان تعدل حجّین و عمرّین (11)؛ یک دهه اعتکاف در ماه رمضان همچون دو حج و دو عمره است.»

گرچه این حدیث ناظر به اعتکاف به مدت ده روز و در ماه مبارک رمضان است، ولی اعتکاف در کمتر از این مدت (به شرط آن که از سه روز کم تر نباشد) در غیر ماه مبارک رمضان مخصوصاً «ایام البیض» به اندازه خود فضیلت و ثواب دارد.

## زمان اعتکاف

اعتکاف از نظر زمان محدود به وقت خاص نیست؛ تنها از آن رو که لازمه اعتکاف، روزه گرفتن است، باید در زمانی اعتکاف شود که شرعاً بتوان روزه گرفت. پس هر گاه روزه گرفتن صحیح باشد، اعتکاف نیز صحیح است، ولی بهترین زمان برای اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان، و ایام البیض ماه رجب است. اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان، با آماده سازی انسان برای درک لیلۃ القدر و بهره برداری از فیض این شب گرانقدر، بی‌ارتباط نیست. در کشور ما اکنون اعتکاف در سه روز از ماه رجب بیش از اعتکاف در دهه پایانی ماه رمضان رواج دارد؛ و این سه روز از چند نظر حائز اهمیت است:

اول آن که ماه رجب، ماه حرام است و از روایات استفاده می‌شود که اعتکاف در ماه‌های حرام، نسبت به دیگر ماهها از فضیلت بیشتری برخوردار است.

ثانیاً: روزه در ماه رجب دارای فضیلتی خاص است، زیرا ماه رجب ماه بزرگی است که مردم حتی در جاهلیت نیز حرمت آن را پاس می‌داشتند. اسلام نیز بر احترام و منزلت آن افزود. (12) ظاهراً چنین رفتار و باوری نسبت به ماه رجب از دیگر ادیان الهی در میان مردم به جای مانده بود.

مالک بن انس (پیشوای مذهب مالکی) گفته است: سوگند به خدا، چشمانم تاکنون کسی را که از نظر وارستگی، فضیلت و عبادت و پرهیزگاری برتر از امام صادق (ع) باشد، ندیده است. من به حضور ایشان می‌آمدم و او مرا مورد توجه قرار می‌داد و احترام می‌نمود. روزی به ایشان عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! پاداش کسی که یک روز از ماه رجب را با ایمان و اخلاص روزه بگیرد، چیست؟ امام صادق (ع) فرمود: پدرم از پدرش و او از جدش و ایشان از رسول خدا (ص) برایم روایت کرد که هر کس یک روز از ماه رجب را از سر ایمان و اخلاص روزه بگیرد، گناهانش آمرزیده می‌شود. (13)

بر پایه حدیثی دیگر از پیامبر (ص) هر کس سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند میان او و آتش جهنم به اندازه هفتاد سال راه فاصله می‌اندازد. پروردگار مهربان به کسی که سه روز از ماه رجب را روزه گرفته، خطاب می‌کند که حق تو بر من واجب شد و دوستی و ولائتم برایت حتمی شد. ای فرشتگان! در حضور شما شهادت می‌دهم که گناهان بنده‌ام را آمرزیده‌ام. (14)

علاوه بر روایاتی که به طور عام نسبت به فضیلت روزه ماه رجب تأکید می‌نماید، درباره روزه گرفتن در روزهای 13، 14 و 15 و انجام عمل «ام داود» نیز تأکید شده است.

## مکان اعتکاف

اعتکاف از نظر مکان محدودیت خاص دارد. نظریه معروف آن است که اعتکاف تنها در یکی از مساجد چهارگانه (مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره) جایز است. امام رضا (ع) فرموده‌اند: «اعتکاف لیلۃ فی مسجد الرسول و عند قبره يعدل حجة و عمرة (15)؛ یک شب اعتکاف در مسجد پیامبر و نزد قبر او معادل یک حج و یک عمره است.»

ولی گروهی از فقها اعتکاف در مسجد جامع هر شهر و منطقه را نیز روا دانسته‌اند. (16)

البته در مورد مسجد جامع نیز برخی برآنند که باید به قصد رجاء و به امید این که شاید مطلوب درگاه الهی باشد، اعتکاف نمود. (17) اعتکاف در سایر مساجد مانند مسجد محله و بازار تنها به نظر شمار اندکی از فقیهان شیعه جایز است. (18) مقصود از مسجد جامع در هر شهر و منطقه، مسجدی است که معمولاً مردم بیشتری در آن جا گرد می‌آیند (19)؛ به عبارت دیگر، مسجدی که اغلب اوقات بیشتر از سایر مساجد جمعیت داشته باشد. (20)

شیخ لطف الله میسی اصفهانی در کتاب «رساله اعتکافی» به نقل احادیثی در باب اعتکاف پرداخته و ضمن بیان احادیث، شواهدی را در جواز اقامه اعتکاف در مسجد جامع، نصب قبه و نیز احیای دهه آخر ماه رمضان ذکر می‌کند.

روشن است که در محل اعتکاف اختلافی در میان فقهای شیعه وجود دارد. این اختلاف ناشی از این روایت است که اعتکاف در مسجدی جایز است که امام عدل، جماعتی در آن برگزار کرده باشد. برخی از فقها صرفاً همین چند مسجد (کوفه، بصره، مدینه و مکه) را برای اعتکاف جایز شمرده‌اند و برخی دیگر مساجد دیگر را نیز برای اعتکاف مجاز شمرده‌اند.

از این دسته دوم، گروهی تنها مساجد جامع را معین کرده‌اند و برخی همه مساجد جماعات را. شیخ لطف الله بر این باور بوده که در تمامی مساجد جامع و حتی جماعت اعتکاف جایز است، ولی درباره روایتی که «امام عدل» را مطرح کرده چنین اظهار می‌کند که مقصود از امام عدل، اعم از امام معصوم و غیر معصوم است. شیخ تأکید دارد که اصولاً سؤال درباره مساجد بغداد بوده و روشن است که وجه عدل نمی‌توانسته ارتباطی با امام معصوم برای اقامه نماز در آن مساجد داشته باشد.

وی با اشاره به آراء برخی از فقهای متقدم در این که تنها در مساجد اربعه اعتکاف رواست، اسامی جمعی از علمای عصر خود را که اغلب علمای جبل عامل هستند، ذکر کرده و رأی آنان را چنین دانسته که در هر مسجد جامعی اعتکاف جایز است. از جمله آنان مرحوم شیخ بهایی است که در هنگام تألیف این رساله در قید حیات بوده است و نیز شیخ علی بن عبدالعالی میسی، جد نویسنده، و نیز شهید ثانی و بسیاری دیگر. (21)

در این جا ممکن است این پرسش مطرح شود که با توجه به آثار سازنده اعتکاف آیا بهتر نیست اعتکاف در هر مسجدی را جایز بدانیم تا همگان به آسانی بتوانند از این عبادت بهره‌مند شوند؟

در پاسخ باید گفت: عبادت‌های دینی کاملاً توقیفی هستند؛ بدین معنا که شرایط و احکام آن را باید از متون اسلامی و دستورهای شرعی اخذ کرد. هرگاه از انله معتبر استفاده شود که محل اعتکاف، مسجد جامع است، نمی‌توان از روی ذوق و سلیقه شخصی در شرط عبادت تصرف نمود و دامنه آن را توسعه داد.

اساساً برخی عبادت‌ها از نظر مکان، دارای محدودیت خاصی هستند.

مثلاً مراسم و اعمال حج باید در مکان‌های معینی انجام شود؛ از این رو انجام دادن اعمال حج در غیر از محل‌های مقرر بی‌معناست.

در مورد اعتکاف نیز هرگاه با انله معتبر ثابت شود که جایگاه آن مسجد جامع است، می‌فهمیم که شارع مقدس این عبادت را تنها در این ظرف مکانی معین از ما خواسته است. البته در تشریح این حکم حتماً مصالحی مورد نظر بوده است که شاید عقل ما نتواند به طور یقین بدان دست یابد. شاید اسلام با منحصر نمودن اعتکاف در مسجد جامع بخواهد نوعی کنترل بر کمیت و کیفیت آن وجود داشته باشد و در کنار این عبادت، ارزش‌های دیگری مانند وحدت و همراهی و همدلی نیز مطرح شود. (22)

انسان معتکفی که به آداب اعتکاف پایبند است در هر موردی از نماز خواندن، دعا کردن، اندیشیدن، شب زنده داری و گریستن، به گنجینه هایی از رحمت خاص خدا دست می‌یابد که گرانباترین سرمایه زندگانی و بهترین زاد و توشه آخرت او خواهد بود.

هم چنین گاهی خداوند به خاطر تأدیب انسان‌ها یا به خاطر عقوبت آنان نسبت به ستمکاری‌ها و معاصی روز افزون‌شان، اراده نزول عذاب می‌کند و بلایی چون خشکسالی یا زلزله یا بیماری عمومی و مانند آن را تقدیر می‌نماید، ولی عمل صالح گروهی از آنان باعث دفع بلا می‌گردد و به گونه‌ای که خود نیز متوجه نیستند از تحقق عذاب و عقاب الهی جلوگیری می‌کنند: «... و ما کان الله معذبهم و هم یستغفرون(انفال/33)؛ و خداوند آنان را عذاب نمی‌کند تا زمانی که استغفار می‌کنند.»

اعتکاف خالصانه جمع‌کنندگی از مردم جامعه ما، می‌تواند چنین نقشی را در اجتماع اسلامی داشته باشد؛ یعنی زمانی که قدرناشناسی مردم نسبت به نعمت‌های الهی اوج می‌گیرد و غفلت از خدا به شکل‌های گوناگون در بین مردم رواج می‌یابد و پول پرستی و شهوترانی، بخش عظیمی از جامعه را از عبادت خدا دور و به حقوق دیگران بی‌توجه می‌سازد، خطر نزول بلا نزدیک می‌شود؛ اما گریه‌ها و تضرع‌ها و نمازها و روزه‌های معتکفین، رحمت خدا را بر می‌انگیزاند و به آبروی آنان، عاصیان نیز در امان می‌مانند.

### مقابله با تهاجم فرهنگ بیگانه

در فرهنگ اسلامی روی آوردن به اعتکاف، علاوه بر بهره برداری از فیض معنوی آن، جهاد مقدس نیز هست؛ زیرا این مراسم عبادی - معنوی، نقش بسیار مهمی در رویارویی با نفوذ فرهنگ بیگانه ایفا می‌کند.

جوانی که در مراسم اعتکاف، طعم شیرین ایمان و انس با خداوند را می‌چشد، لذت‌های مادی و شهوانی در دیدگانش، حقیر و بی‌ارزش می‌شود و به آسانی در گرداب فساد و باورهای ضد دینی گرفتار نمی‌شود.

از سوی دیگر، چنین مراسمی خود پیامی عملی و درسی عبرت‌آمیز برای مردم است. حضور جمعی از مؤمنان در مسجد برای عبادت، در حقیقت نوعی دعوت به خدا پرستی و دین‌مداری است و آثار سازنده‌ای بر جامعه خواهد داشت، از همین رو، در رویارویی با تهاجم فرهنگی دشمن نباید نقش مؤثر سنت‌هایی که در باور عمومی مردم ریشه‌های عمیق دارند، نادیده گرفته شود. بی‌تردید مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، هیئت‌های مذهبی، زیارت و اعتکاف، نقش مهمی در تربیت جامعه و گسترش فرهنگ دینی ایفا کرده و می‌کنند. این مقوله‌ها با آثار مثبت جانبی که دارند، اهرم‌های توانمندی در مقابله با فرهنگ بیگانه‌اند.

در دوران ما تهاجم دشمن ابعادی گسترده یافته، ولی این حرکت استعماری، دست کم ریشه‌ای چند صد ساله دارد و همین پدیده‌های سنتی هم چون اعتکاف، مردم ما را در طول سال‌های متمادی در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه مصونیت بخشیده است؛ (23) اما اهمیت آن و نقش به‌سزایی که در تصفیه و تزکیه انسان دارد برای بسیاری از مسلمانان ناشناخته مانده است.

از این رو جا دارد مبلغان اسلامی بیش از پیش بر نقش مهم آن تأکید ورزند تا این سنت دیرینه محمدی آن گونه که شایسته است، جایگاه خود را در جامعه اسلامی حفظ کند.

در عصر ما که زندگی ماشینی و پیچیدگی‌های آن، دیده‌گان انسان را به خود خیره کرده، روابط اجتماعی گسترده شده و خلاصه دامنه سرگرمی انسان به جلوه‌ها و مظاهر مادی توسعه یافته است، تأکید بر نقش سازنده اعتکاف، ضرورتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا اعتکاف انس با معشوق است که زمینه را برای

گسستن فرد از سرگرمی‌های پوچ فراهم می‌آورد؛ انسان را با خداوند پیوند می‌دهد و از آفت خدا فراموشی و از خود بیگانگی نگه می‌دارد.

### پی‌نوشت‌ها:

1. عطار نیشابوری، تذکرة الاولیاء، ص 785.
2. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 14، ص 141.
3. تفسیر نمونه، ج 13، ص 33.
4. علامه طباطبائی، المیزان، ج 14، ص 34.
5. سید مرتضی، المسائل الناصریات، ص 119.
6. علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج 6، کتاب اعتکاف، ص 239.
7. حر عاملی، وسائل الشیعه؛ ج 7، ص 116.
8. المیزان، ج 19، ص 173.
9. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 7، ص 397، روایت 1.
10. همان، روایت 2.
11. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، کتاب الاعتکاف، ص 188.
12. شیخ صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، ص 24، روایت 12.
13. همان، ص 38، روایت 16.
14. همان، ص 25، بخشی از روایت 12.
15. بحار الانوار، ج 98، ص 151.
16. سید محمد کاظم طباطبائی، العروة الوثقی، کتاب الاعتکاف، ص 399.
17. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج 1، ص 305.
18. شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج 17، ص 170.
19. همان، ص 171.
20. آیه الله گلپایگانی، مجمع المسائل، ج 1، ص 154.



21. فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره 1، پائیز 1374، ص38. رحیم نوبهار، اعتکاف؛ سنت محمدی، صص78 و 88.

22. بحار الانوار، ج33، ص542.

23. اعتکاف، سنتی محمدی، صص50 و 51.